



هفتادوهشتمین مجمع عمومی سازمان ملل؛

## سیاست طالبان منعکس کننده «آپارتاید جنسیتی» است



طالبان زنان و دختران افغانستان را در بیش از دو سال گذشته از حوزه جمعی حذف کرده‌اند. این گروه، حقوق زنان را به صورت گسترده نقض و آنان را از ابتدایی‌ترین حقوق انسانی محروم کرده‌اند. براساس گزارش‌های نهادهای بین‌المللی حقوق بشری، طالبان بیش از ۵۰ فرمان منع‌کننده صادر کرده‌اند که زنان را به حاشیه کشانده است. به‌تازگی در حاشیه اجلاس هفتادوهشتمین مجمع عمومی سازمان ملل متحد نشست زیر نام «مبارزه با آپارتاید جنسیتی؛ وضعیت زنان و دختران...»

۵

## رنج، زحمت و مقاومت

۵

## آویزان کردن از پا و شاشیدن به صورت؛

# شکنجه نظامیان پیشین در زندان‌های طالبان

۳

## صید ماهی با «بمب دستی و زهر» از سوی طالبان در دریای پنجشیر

صبح پنجشیر: منابع محلی می‌گویند که جنگ‌جویان طالبان برای صید ماهی از «بمب‌های دستی و زهر» در آب دریای پنجشیر استفاده می‌کنند. منابع روز شنبه، ۱ میزان، در صحبت با روزنامه صبح تایید می‌کنند که طالبان از چند روز به این سو، دست به این اقدام زده‌اند. منابع به نقل از باشندگان هشدار می‌دهند که این اقدام طالبان سبب انقراض نسل ماهی‌ها در دریای پنجشیر خواهد شد. طالبان تا کنون در این مورد چیزی نگفته‌اند. این در حالی است که حکومت پیشین روش صید ماهی توسط پرتاب بمب دستی یا زهر را در دریای پنجشیر ممنوع قرار داده بود و ساکنان محلی از روش‌های دیگری در این خصوص استفاده می‌کردند. بر بنیاد آمار حکومت پیشین، افغانستان سالانه به بیش از ۳۶۰ هزار تن گوشت ماهی نیاز دارد که تنها حدود ۱۱ هزار تن آن را تولید می‌کند.



## شورای مقاومت ملی:

### طالبان حق تغییر قانون اساسی را ندارند



صبح، کابل: شورای مقاومت ملی برای نجات افغانستان در اعلامیه‌ای نسبت به آنچه تلاش برای تغییر قانون اساسی از سوی طالبان خوانده و آکنش نشان داده و گفته این گروه که مشروعیتی ندارد، نمی‌تواند این اقدام را انجام دهد.

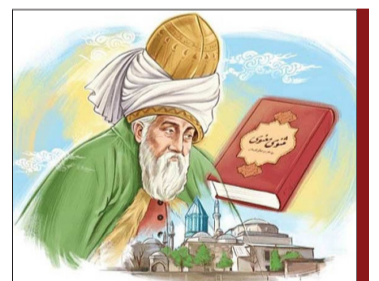
این شورا روز جمعه، ۳۱ سنبله، افزوده است که طالبان حق و صلاحیت تدوین و تغییر قانون اساسی را ندارند.

شورای مقاومت گفته است: «گروه افراطی طالبان با نگرش تروریستی در پی تغییر و جایگزینی قانون اساسی در کشور برآمده و تلاش دارند قانون اساسی مصوب افغانستان را با قانون اساسی گروه طالبان جایگزین کنند.» به گفته این شورا، قانون اساسی به‌عنوان یک وثیقه و امانت ملی اساس قانون‌گذاری هر کشوری را تشکیل می‌دهد و ضمانتی برای حفظ حقوق شهروندان است و اعمال تغییر در آن نیازمند موجودیت یک نظام مشروع است که در حال حاضر افغانستان آن را ندارد. شورای متشکل از رهبران حکومت پیشین تصریح کرده که هرگونه دست‌برد به قانون اساسی افغانستان در وضعیت کنونی توسط

«حاکمیت نامشروع» هیچ مبنایی ندارد و تلاش برای تقویت و مشروعیت بخشی اعمال تروریستی و افراط‌گرایانه است. از سویی دیگر، این شورا طالبان را به انحصار قدرت متهم کرده و گفته که این گروه سیاست تبعیض و حذف را در قبال اقوام افغانستان به‌ویژه شیعیان در دستور کار خود قرار داده است. به گفته این شورا، گروه طالبان در آخرین اقدام خود حضور علمای پیرو فقه جعفری و اسماعیلی در شورای علمای افغانستان را نادیده گرفته که این نا عادلانه و غیراخلاقی است. شورای مقاومت ملی همچنان جهان را به تعامل خوش‌باورانه با طالبان متهمشورای مقاومت ملی: طالبان حق تغییر قانون اساسی را ندارند و می‌گوید که این کار امنیت جهانی را با تهدید جدی مواجه می‌کند. این اظهارات در حالی مطرح شده که گفته می‌شود طالبان قصد دارند، قانون جدیدی را جایگزین قانون اساسی کشور کنند. پیش از این و در اوایل تسلط این گروه بر افغانستان، اعلام شد که قانون اساسی گذشته با برخی تعدیلات قابل اجرا است.

صفحه ۶

## اسرار رستگاری از دید مولانا جلال الدین محمد بلخی



صفحه ۷

## روز جهانی زنان شاغل؛ محرومیت از کار زنان افغانستان را افسرده کرده است



### کاکر: اولویت پاکستان مقابله با تروریسم از خاک افغانستان است

صبح، کابل: انورالحق کاکر، نخست‌وزیر موقت پاکستان در هفتادوهشتمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد بار دیگر نسبت به تهدید تروریسم از خاک افغانستان ابراز نگرانی کرده است. کاکر جمعه‌شب، ۳۱ سنبله، در مجمع عمومی سازمان ملل گفته که کشورش حملات تروریستی فرامرزی علیه پاکستان توسط تحریک طالبان پاکستان، داعش و سایر گروه‌های فعال از افغانستان را محکوم می‌کند.

او گفته است: «اولویت اول پاکستان جلوگیری و مقابله با تروریسم از داخل افغانستان است.» او همچنان تاکید کرده که اسلام‌آباد به هدف جلوگیری از حملات تی‌تی‌پی و دیگر گروه‌ها به پاکستان از [طالبان] حمایت کرده است. این اظهارات همزمان با سفر هیأت پاکستانی به ریاست محمد آصف درانی، نماینده ویژه این کشور برای افغانستان به کابل مطرح می‌شود.





## جنش زنان پنجره امید افغانستان: جنایات علیه ساکنان هزاره‌جات متوقف شود



**۸ صبح، کابل:** گروهی از زنان معترض زیر نام «جنش زنان پنجره امید افغانستان» نسبت به قتل یک پدر و پسر در ولایت ارزگان واکنش نشان داده‌اند. این جنش روز جمعه، ۳۱ سنبله، در اعلامیه‌ای گفته که جنایات علیه ساکنان هزاره‌جات محکوم است و باید متوقف شود. پدر و پسر با نام‌های حاجی حسن و علی خان، پس از چاشت روز چهارشنبه هفته جاری در ساحه پشتون‌نشین تنگی سبزچوب بازداشت و سپس تیرباران شده‌اند. این معترضان همچنان می‌گویند که آپارتاید جنسیتی در افغانستان باید به رسمیت شناخته شود. آنان همچنان می‌افزایند: «طی دو سال تسلط

نامشروع طالبان در افغانستان، زنان با در نظر داشت جنسیت‌شان به‌طور سیستماتیک از حقوق انسانی‌شان محروم و از جامعه حذف شده‌اند.» جنش زنان پنجره امید از اعتصاب غذایی اخیر فعالان حقوق زن و اقلیت‌های جنسیتی در افغانستان اعلام حمایت کرده است. گفتنی است که قتل پدر و پسر، باشندگان جوی نو ارزگان خاص واکنش‌های زیادی را به همراه داشته است. با این حال، طالبان تا کنون در مورد این رویداد چیزی نگفته‌اند. گفتنی است که روز گذشته محمد محقق، از رهبران حکومت پیشین در یادداشتی گفته که این رویداد کار طالبان و با انگیزه قومی - مذهبی صورت گرفته است.

## وقوع چهار رویداد ترافیکی در چهار ولایت سه کشته و یازده زخمی برجا گذاشت



**۸ صبح، کابل:** مقام‌های محلی طالبان می‌گویند که وقوع چهار رویداد ترافیکی در ولایت‌های پنجشیر، هرات، بادغیس و غور سه کشته و ۱۱ زخمی برجا گذاشت. نصرالله ملک‌زاده، رییس اطلاعات و فرهنگ طالبان در پنجشیر گفته است که در پی برخورد یک عراده موتر نوع «کرولا» با یک دیوار استنادی در جاده عمومی این ولایت، یک تن جان‌باخته و چهار تن دیگر زخمی شده‌اند. این رویداد پنج‌شنبه‌شب، ۳۰ سنبله، در منطقه تاواخ از مربوطات ولسوالی عنابه رخ داده است. در همین حال، منابع در بادغیس می‌گویند که در نتیجه برخورد یک موترسایکل با یک موتر نوع کاستر در این ولایت، یک مرد کهن‌سال جان‌باخته و یک جوان زخمی شده است. این رویداد روز پنج‌شنبه، ۳۰ سنبله، در شهر قلعه‌نور رخ داده است. در هرات نیز، برخورد یک عراده موتر سایکل با یک موتر تیزرفتار یک کشته و سه زخمی برجا

گذاشت. همچنان منابع در غور می‌گویند که در پی برخورد یک عراده موترسایکل با یک موتر در این ولایت، یک تن جان‌باخته و سه تن دیگر زخمی شده‌اند. این رویداد ناوقت سه‌شنبه، ۲۸ سنبله، در ساحه دره قاضی شهر فیروز کوه رخ داده است. در روزهای اخیر رویدادهای ترافیکی در بخش‌های مختلف کشور افزایش یافته است. بی‌احتیاطی راننده‌گان، کم‌عرض و تخریب بودن جاده‌ها همواره از دلایل وقوع این رویدادها در کشور عنوان شده است.

## معاون سفیر ایران در کابل: ایران محل امنی برای مخالفان افغانستان نیست



**۸ صبح، کابل:** حسن مرتضوی، معاون سفیر ایران در کابل، در دیدارش با مولوی نورمحمد ثاقب، وزیر ارشاد و اوقاف طالبان، گفته است که کشورش محل امنی برای مخالفان افغانستان نیست. خبرگزاری باختر تحت مدیریت طالبان، پنج‌شنبه‌شب، ۳۰ سنبله، گزارش داده که مرتضوی در دیدارش با نورمحمد ثاقب، روی تحکیم روابط دینی و فرهنگی این دو کشور گفت‌وگو کرده است. مرتضوی افزوده است: «ایران همواره در کنار مردم افغانستان ایستاده است و ایران محل امنی برای مخالفان افغانستان نمی‌باشد.» معاون سفیر ایران در کابل، جزئیات بیشتر در این مورد ارایه نکرده است. ایران هم‌اکنون میزبان هزاران نیروی امنیتی

حکومت پیشین افغانستان است که طالبان آنان را مخالفان‌شان عنوان می‌کنند. مرتضوی از این مقام طالبان خواست تا در سی‌وهفتمین نشست بین‌المللی وحدت اسلامی که قرار است در ایران برگزار شود، اشتراک کند. در همین حال وزیر ارشاد و اوقاف طالبان در این دیدار، خواستار توسعه همکاری تهران در بخش‌های مختلف با این گروه شده است.

## محقق: طالبان یک پدر و پسر را با انگیزه خصومت‌های قومی و مذهبی در ارزگان به قتل رساندند

**۸ صبح، کابل:** محمد محقق، رهبر حزب «وحدت اسلامی مردم افغانستان» ادعا کرده است که جنگ‌جویان طالبان یک پدر و پسر در ارزگان به قتل رسانده‌اند. محقق در صفحه فیسبوکش نوشته است که این دو تن حاجی حسن و علی خان نام داشتند و طالبان آنان را روز سه‌شنبه، ۲۸ سنبله، در منطقه «پشتون‌نشین» تنگه مامی ولایت ارزگان به قتل رسانده‌اند. به گفته او، این پدر و پسر راننده یک موتر باربری بودند و می‌خواستند که به ولایت غزنی بروند. او دلیل قتل این دو تن را «خصومت‌های قومی و مذهبی» و همچنان «کوچ اجاری» عنوان کرده است.

رهبر حزب وحدت اسلامی مردم افغانستان تصریح کرده است «این کشتار سیستماتیک مردم بی‌دفاع هزاره و شیعه در سایه سکوت توأم با حمایت‌وتطهیر جهانیان و منطقه نسبت به این گروه سفاک انجام میشود.» طالبان تا کنون در این مورد چیزی نگفته‌اند. گفتنی است که چند روز پیش شماری از ساکنان ولسوالی خاص ارزگان که از قوم هزاره هستند، گفته بودند که «مستندات» خود از قتل‌ها، سوزاندن زمین‌ها و قطع درختان‌شان را به نهادهای مربوط سازمان ملل فرستاده‌اند. به گفته آنان، در بیش از دو سال گذشته «دست‌کم ۱۴ تن» در این منطقه به قتل رسیده‌اند. ساکنان محلی ارزگان به رسانه‌ها ادعا کردند که «حملات از سوی همسایه‌گان پشتون صورت می‌گیرد و مقام‌های محلی طالبان به شکایات آنان توجهی نکرده‌اند.» اما مقام‌های طالبان در ارزگان آن را به «نزاع درون‌قومی و بین خود هزاره‌ها» نسبت داده‌اند. چند روز پیش تصاویر و ویدیوهایی در صفحات اجتماعی دست‌به‌دست می‌شد که در آن‌ها خانه‌ها و زمین‌های زراعتی در آتش می‌سوزند و درختان بریده‌شده را نشان می‌دهد.



## منبع: ملا هبت‌الله به نیمروز رفته است

**۸ صبح، نیمروز:** منبعی از میان طالبان در ولایت نیمروز می‌گوید که ملا هبت‌الله آخوندزاده، رهبر غایب این گروه به ولایت نیمروز سفر کرده است. به قول منبع، رهبر طالبان روز جمعه، ۳۱ سنبله، به شهر زرنج، مرکز این ولایت رفته است. گفته می‌شود که ملا هبت‌الله آخوندزاده در سفرش به نیمروز با مسوولان محلی و امنیتی طالبان و شمار معدودی از عالمان دین طرفدار این گروه در نیمروز دیدار کرده است. با این حال، هدف اصلی این سفر ادعایی رهبر طالبان به نیمروز مشخص نشده است. تا کنون این گروه به‌گونه رسمی در مورد سفر رهبری‌شان به ولایت نیمروز چیزی نگفته‌اند. پیش از این ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی طالبان از سفر رهبر این گروه به ولایت ارزگان خبر داده بود.

به رغم سیاست‌های گنگ و چندپهلوی دنیا در برابر طالبان و رفتارهای این گروه در افغانستان، رژیم آپارتاید جنسیتی این گروه جای ابهام ندارد و کم‌تر کسی می‌تواند آن را نادیده بگیرد. این موضوع به حدی در دنیای امروز ناساز است که دوآتشه‌ترین لابی‌گران این گروه نمی‌توانند آن را توجیه کنند. برخورد تبعیض‌آمیز و سرکوب‌گرانه طالبان در برابر زنان افغانستان، از مدت‌هاست که مایه اعتراض به این گروه و خشم میلیون‌ها انسان در برابر سیاست‌های آن شده است. در آخرین مورد، پژواک این اعتراض‌ها در دهلیزهای ملل متحد طنین‌انداز شد و ضرورت مبارزه با این سیاست ستم‌گرانه که میلیون‌ها تن از آسیب‌پذیرترین بخش جامعه را هدف گرفته است، مورد تأکید قرار گرفت.

اعتراض‌های مدنی لازم است، اما کافی نیست. گروه‌های سرکوب‌گر به‌صرف اعتراض‌های مدنی بهایی نمی‌دهند. تاریخ شاهد این واقعیت است. به‌ویژه دستگاه‌های سلطه‌ای که با زور اسلحه و خشونت بر مردم مسلط شده‌اند، نه با زبان اعتراض‌های مدنی آشنایند و نه به آن اهمیتی قابل‌اند. این البته به آن معنا نیست که نباید اعتراض کرد، بلکه به این معناست که باید دامنه اعتراض‌ها گسترده‌تر و شیوه‌های آن متنوع‌تر شود و از همه مهم‌تر باید به راهکارهایی منتهی گردد که سبب تغییر شود. به همان‌گونه که طالبان آسیب‌پذیرترین قشر جامعه را هدف گرفته‌اند، اعتراض‌ها باید آسیب‌پذیرترین قسمت از کار طالبان را هدف بگیرد. طالبان نه به رضایت مردمی اهمیتی می‌دهند و نه مشروعیت بین‌المللی اولویت‌اول‌شان است. آن‌چه برای این گروه اهمیت دارد، پول و منافع است که از شرایط کنونی حاصل می‌کنند. اعتراض‌ها باید شاهرگ حیاتی این گروه را هدف بگیرد و آن طرح لایحه‌ای در سازمان ملل برای تحریم مالی این گروه است. نباید به سلطه‌ای که سرکوب سیستماتیک شهروندان را به پیش می‌برد و به همه کنوانسیون‌های بین‌المللی در خصوص حقوق بشر و حقوق زن دهن کجی می‌کند، هیچ پولی داده شود. نباید با بسته‌های چندین میلیون دالری به آن کمک شود تا در سرکوب و شکنجه مردم دست‌بازتر داشته باشد و با جرئت بیش‌تر عمل کند. هر چه پول بیش‌تر به این گروه داده می‌شود، آن را به سرکوب بیش‌تر تشویق می‌کند. مردم افغانستان می‌پرسند که ما چه بدی‌ای در حق کشورها کرده‌ایم تا برای سرکوب ما پول فرستاده شود؟ این پرسش باید از سوی مردم زیر ستم این کشور در نشست‌های سازمان ملل به ارتباط افغانستان مطرح شده و از کشورهای ذی‌دخل خواسته شود که به آن پاسخ بدهند. اگر اعتراض‌ها هدف‌مند و دقیق نباشد و به صرف صدور بیانیه‌ای خشک و خالی بینجامد که به چند جمله کلی درباره ناکسندی از وضعیت زنان افغانستان و محکومیت این عمل اکتفا شود، چندان اثری نخواهد داشت و هیچ رنجی را از میلیون‌ها زن به بند کشیده افغانستان درمان نخواهد کرد.

## آویزان کردن از پا و شاشیدن به صورت؛

# شکنجه نظامیان پیشین در زندان‌های طالبان



امین کاوه

نظامیان پیشین از زنده‌گی رقت‌بار و آینده نامبهم خود شکایت دارند. آنان می‌گویند که زیر حاکمیت طالبان بین مرگ و ناامیدی دست‌وپنجه نرم می‌کنند. این نیروها تاکید می‌کنند که در کنار فقر و بیکاری، خطر بازداشت و انتقام‌گیری از سوی طالبان آنان را سایه‌وار تعقیب می‌کند. با این حال، نظامیانی که از زندان‌های طالبان زنده برگشته‌اند، روایت‌ها وحشت‌ناک و تکان‌دهنده‌ای دارند. براساس ادعای آنان، آویزان کردن از پا، شوک برقی دادن، بی‌خوابی و «شاشیدن» به صورت زندانیان از شکنجه‌های رایج در زندان‌های طالبان بوده است. این نظامیان پیشین تاکید می‌کنند که جامعه جهانی قربانی‌های‌شان را در مبارزه مشترک با تروریسم نادیده گرفته و فراموش کرده‌اند. آنان می‌افزایند که افزون بر بیکاری، در معرض بازداشت، شکنجه و کشتار توسط طالبان قرار دارند. به گفته این نیروها، آن‌ها در افغانستان جایی برای زیستن ندارند و در کشورهای همسایه فرصت کار کردن برای‌شان مساعد نیست و در برزخ ناامیدی و بی‌سرنوشتی گیر مانده‌اند. این در حالی است که براساس گزارش‌ها، طالبان در دو ماه گذشته بیش از ۱۵ تن از نظامیان پیشین را بازداشت کرده و حدود ۱۴ تن دیگر را به قتل رسانده‌اند.

هزاران تن از نیروهای امنیتی پیشین که میلیون‌ها شهروند کشور چشم امید به آنان دوخته بوده‌اند، اکنون خود در ناامیدی و یأس به سر می‌برند. این نیروها می‌گویند که در بیست سال گذشته در مبارزه با تروریسم قربانی‌های فراوان داده‌اند و در حال حاضر وضعیت زنده‌گی خودشان ناامیدکننده است. آنان می‌گویند که فقر، بیکاری و انتقام‌گیری از سوی طالبان زنده‌گی را برای‌شان به کابوس مبدل کرده است.

قربانی‌ها و دستاوردهای آن‌ها را نادیده گرفته و خود آن‌ها را فراموش کرده است. این نظامیان پیشین می‌افزایند که در افغانستان زیر کنترل طالبان جایی برای زیستن و فرصتی برای کار کردن ندارند و در کشورهای همسایه نیز در خطر بازداشت، اخراج اجباری و بیکاری دوام‌دار قرار دارند. به گفته آنان، وضعیت برای‌شان گنگ و آینده تاریک است.

نیروهای امنیتی پیشین در حالی از انتقام‌جویی طالبان سخن می‌زنند که براساس گزارش‌های منتشر شده، طالبان در جریان دو ماه گذشته حدود ۱۴ تن از آنان را به قتل رسانده و دست‌کم ۱۵ تن دیگر آنان را بازداشت کرده‌اند. شماری از این نیروها به روزنامه ۸ صبح می‌گویند که ده‌ها تن از هم‌سنگران‌شان ناپدید شده‌اند و صدها تن دیگر در زندان‌های طالبان به سر می‌برند، اما خانواده‌های آنان از ترس این گروه، نمی‌خواهند موضوع رسانه‌ای شود.

در تازه‌ترین مورد، منابع از قتل یک نظامی پیشین به نام خلیل احمد توسط طالبان در منطقه «عینومینه» شهر قندهار خبر داده‌اند. به گفته منابع، خلیل احمد شب‌هنگام از سوی طالبان بازداشت شده و سپس به قتل رسیده است.

با این حال، نظامیان پیشین که از زندان‌های طالبان زنده برگشته‌اند، روایت‌های وحشت‌ناک و تکان‌دهنده‌ای از رفتار طالبان در قبال این نظامیان دارند. یکی از نظامیان پیشین که نمی‌خواهد نامش در گزارش ذکر شود، می‌گوید که شوک برقی، بی‌خوابی، آویزان کردن از پا، لت‌وکوب کردن، دشنام دادن، بین آب ایستاده کردن و پچاندن پلاستیک به صورت برای بستن مجاری تنفس، از شکنجه‌های رایج در زندان‌های این گروه است. او که خود این بدرفتاری‌ها را تجربه کرده، روایتی دلخراش و مملو از وحشت از زندان طالبان دارد.

این نظامی پیشین که به‌طور شدید شکنجه و تحقیر شده است، می‌گوید: «نخستین روز که دستگیرم کردند، وقتی به زندان انتقال دادند، چشم‌هایم بسته بود. یک نفر آمد، چند سیلی زد و سپس زنجیر را به پاهایم بسته کرد و از پای آویزان کرد. تا دو ساعت از پای آویزان بودم. از دهن و بینی‌ام خون جاری شد و احساس می‌کردم رویم می‌کشد.» او می‌افزاید: «از

هوش رفته بودم، در زمین غلتیده بودم. وقتی صدای پای آمد، صدا کردم قاری صاحب رویم را باز کن. نفر آمد به رویم شاشید و رفت. نفر دومی که از پشتش بود، برایش به پشتو گفت کار خراب کردی. آمد، رویم را به پشت برگشتاند و آب داد. رویم را شستم. این وضعیت دو روز دیگر تکرار شد.»

این نظامی پیشین تصریح می‌کند: «وقتی شوک برقی می‌دادند، می‌پریدم و سرم به دیوار می‌خورد و بیهوش می‌شدم و سپس سرم پلاستیک بسته می‌کردند و نفسم بند می‌شد. از حال می‌رفتم و به زمین می‌افتادم. دشنام می‌دادند، شلاق می‌زدند و هیچ عذر و زاری را نمی‌شنیدند.»

براساس روایت این نظامی پیشین، زندان‌های طالبان به لحاظ بهداشتی نیز به‌شدت «کثیف و بوی‌ناک» است. او تاکید می‌کند که آنان تنها روزی دو وقت نیم نان خشک به زندانیان می‌دادند و از طرف شب تا ساعت ۲:۰۰ صبح کسی حق خوابیدن نداشت و زمانی هم که کسی به خواب می‌رفت، با سیلی شکنجه‌گران طالب بیدار می‌شد. به گفته او، گاه این وضعیت تا صبح ناوقت ادامه پیدا می‌کرد. او تاکید می‌کند که وقتی شکنجه نمی‌شده، صدای داد و فریاد زندانیان دیگر که شکنجه می‌شدند، او را در وضعیت بدتر قرار می‌داده است. او می‌افزاید که زندان‌بان‌های طالبان به زندانیان مریض دارو نمی‌دادند. به گفته او، اکثر زندانیان در نتیجه نوشیدن آب غیرصحتی دل‌دل و اسهال می‌شدند، اما اجازه رفتن به تشناب را نداشتند و اکثریت جابه‌جا تشناب می‌کردند. براساس روایت این نظامی پیشین، اگر قسمتی از بدن زندانی در اثر شکنجه طالبان سیاه و کبود می‌شد، به‌خصوص پاها، فقط یک ملهم می‌دادند که بمالند و سپس با پلاستیک بپیچند و در آن وضعیت زندانیان را مجبور به دویدن می‌کردند.

افزون بر زندان‌های رسمی طالبان، این گروه بازداشت‌گاه‌های شخصی نیز دارد. منابع در قندهار می‌گویند که شماری از اعضای طالبان، برخی از کارمندان محلی و نظامیان حکومت پیشین را در زندان‌های شخصی‌شان زندانی کرده‌اند. همچنان والی قبلی طالبان برای کابل نیز بازداشت‌گاه شخصی داشته است.

یک منبع معتبر می‌گوید که والی قبلی طالبان در

کابل که اکنون به‌حیث والی این گروه در کاپیسا تعیین شده، زندان شخصی دارد و نظامیان پیشین را در آن شکنجه کرده و حتا به قتل رسانده است. منبع می‌گوید که ۸ تن در زندان او در زیر شکنجه جان باخته و سه تن دیگر مفقود شده‌اند.

براساس روایت منبع، طالبان انواع شکنجه را در بازداشت‌گاه‌های‌شان علیه نیروهای امنیتی پیشین به کار می‌برند. این منبع ادعا می‌کند: «مردها را به فرق ایستاد می‌کردند، در آله تناسلی‌شان سنگ بسته می‌کردند، زیر پای‌شان آب می‌انداختند، به خواب نمی‌ماندند، صدای لت‌وکوب و جیغ دیگران هر لحظه زندانیان را به شکنجه دیگری می‌برده است.»

او تصریح می‌کند تا زمانی که نتواند به یک جای امن برسد، چشم‌دیدهایش را به‌گونه اساسی با رسانه‌ها در میان گذاشته نمی‌تواند.

طالبان اما بارها تاکید کرده‌اند که به فرمان عفو عمومی رهبر خود متعهدند و هیچ کسی را به شمول نظامیان پیشین مورد شکنجه و بازداشت قرار نمی‌دهند. ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی این گروه، به‌تازگی در واکنش به گزارش یوناما گفته است که در زندان‌های طالبان کسی شکنجه نمی‌شود.

این در حالی است که دفتر هیأت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان (یوناما)، در تازه‌ترین مورد از ثبت بیش از یک هزار و ۶۰۰ مورد نقض حقوق بشر توسط طالبان در هنگام بازداشت افراد پرده برداشته است. به گفته این نهاد، رفتار طالبان در قبال زندانیان «غیرانسانی و تحقیرآمیز» بوده است. یوناما پیش از این گفته است که بیش از ۴۲۴ مورد بازداشت و حبس خودسرانه مقام‌ها و اعضای نیروهای پیشین دفاعی و امنیتی و ۱۴۴ مورد شکنجه آنان را نیز از زمان تسلط طالبان ثبت کرده است.

گفتنی است که پس از برگشت طالبان به قدرت، هزاران نیروی امنیتی پیشین به کشورهای همسایه پناه برده‌اند و اکنون در معرض اخراج اجباری قرار دارند. به‌تازگی نظامیان پیشینی که به پاکستان رفته‌اند، از وضعیت دشوار و آینده مبهم خود شکایت کرده‌اند. آنان از کشورهای غربی خواسته‌اند که به وضعیت آنان و پرونده‌های مهاجرتی‌شان رسیده‌گی کنند.



## صلح بدون عدالت، آرامش گورستان

کج شهاب



**رهبان سیاسی در تبعید یا باید با الگوگیری از طالبان دست به خشونت بزنند و بکشند قدرت را با زور سلاح از طالبان بگیرند که چنین کاری در حال حاضر بعید به نظر می‌رسد، چرا که نه این رهبران به آن اندازه از تاثیرگذاری در داخل افغانستان برخوردارند که دسته و گروه مسلح ایجاد کنند و نه جامعه جهانی از راه‌اندازی یک جنگ دیگر حمایت می‌کند. پیروزی بدون داشتن جغرافیا و بدون حمایت خارجی امر دشوار است. گزینه دوم فرار از این رهبران این است که بدون قید و شرط به امارت طالبان بیعت کنند.**

سازمان ملل متحد ۲۱ سپتامبر (۳۰ سنبله) را روز جهانی صلح نام‌گذاری کرده است. از این روز در حالی تجلیل صورت می‌گیرد که هنوز هم سایه جنگ و خشونت بر سر جهان سنگینی می‌کند و کشورهای متعددی در سطح جهان، درگیر منازعه و خشونتند و تا کنون راه‌حلی برای آن به‌دست نیامده است. افغانستان یکی از کشورهایی است که با وجود بیش از چهار سال جنگ و خشونت، هنوز هم شهروندانش موفق نشده‌اند در فضای صلح و امنیت واقعی زنده‌گی کنند. طالبان که اکنون افغانستان را در اختیار دارند و نیروهای مخالف را از میان برداشته‌اند، مدعی هستند که برای اولین بار پس از بالاتر از چهار سال، توانسته‌اند امنیت و صلح سراسری را در کشور برقرار کنند. با این حال، مشخص است که صلحی که منظور نظر طالبان است، صلح توأم با عدالت نیست و از این جهت واقعی نیست و بدتر از جنگ است و اگر روال کار به همین منوال جلو برود و طالبان در رویکرد خود تغییری ایجاد نکنند، مردم افغانستان برای سال‌های سال موفق نخواهند شد شاهد صلح واقعی را در آغوش بکشند.

به مناسبت روز جهانی صلح، می‌خواهم به نکته‌ای اشاره کنم که توجه چندانی به آن نشده است. لب کلام این است که صلح‌خواهی کاری ارزشمند است، اما اگر استراتژی صلح‌خواهی به‌درستی تدوین نشود و واقعیت‌ها را مد نظر قرار ندهد، ممکن است نه تنها به صلح نینجامد بلکه کاملاً به نتایج معکوس بینجامد و فرصت‌های طلایی را خاکستر کند. در حال حاضر هستند افرادی که از طالبان توقع دارند که تن به صلح بدهند و به گروه‌های مختلف اجازه دهند که به فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی دست بزنند. آیا چنین توقعی به‌جاست؟

یکی از اشتباهاتی که نظام جمهوری به آن گرفتار شد و کار را در کنار عوامل دیگر به فروپاشی آن کشاند، فروغلتیدن آن در ورطه صلح‌خواهی بدون دورنما بود. دست‌اندرکاران آن نظام، شاید به مشوره طرف‌های بیرونی، در طول بیش از ۱۰ سال، بر طبل صلح و آشتی و همدیگرپذیری کوبیدند و ادبیاتی را خلق کردند که جنگ و خشونت را نکوهش می‌کرد و صلح را گم‌شده‌ای می‌شمرد که اگر به‌دست آید، همه مشکلات افغانستان یک‌شبه حل و فصل می‌شود.

جریان‌هایی در داخل نظام حضور داشتند که مستقیم یا غیرمستقیم به سفیدنمایی دشمن می‌پرداختند و طالبان را گروه هموطن می‌شمردند و از اعمال آن‌ها قباحته‌زدایی می‌کردند. حامد کرزی از مشهورترین افرادی بود

که پس از تنش‌آلودشدن رابطه‌اش با امریکایی‌ها، طالبان را «برادران ناراضی» خواند و برای آن‌ها به نحوی مشروعیت داد. او به صراحت می‌گفت که طالبان هم فرزندان این وطن هستند و باید به هر قیمتی که می‌شود با آن‌ها آشتی صورت گیرد. طبعاً قیمت این آشتی را مردم افغانستان می‌پرداختند و نه کرزی و حواریانش.

در این راستا کرزی و همکارانش بر ضد بسیاری از فرماندهانی که به‌صورت جدی با طالبان می‌جنگیدند، پرونده می‌ساختند و آنان را به محاکمه می‌کشاندند یا دست‌کم از وظایف‌شان برکنار می‌کردند. این اتفاقات تا جایی تکرار شد که به روند عادی و همه‌روزه تبدیل شد. همچنین کرزی بسیار تلاش کرد جلو عملیات‌های شبانه نیروهای غربی علیه طالبان را بگیرد. او خارجی‌ها را متهم می‌کرد که افراد بی‌گناه را می‌کشند.

با هزینه پول‌های سرسام‌آور، شورای عالی صلح ایجاد شد. این شورا قرار بود برای تأمین صلح و تشویق طالبان به شرکت در مذاکره با دولت افغانستان کار کند، اما در عمل هیچ کاری از پیش نبرد به جز این که با آزادسازی زندانیان خطرناک طالبان از زندان‌ها، به تقویت صفوف این گروه دست زد. شما در آن زمان، وقتی سخنان رییس یا اعضای شورای عالی صلح را می‌شنیدید، به وضوح احساس می‌کردید که این‌ها به طالبان سمپاتی دارند، خاصه آن که

برخی از اعضای این شورا از مقام‌های پیشین طالبان بودند.

این شورا هرگز نتوانست استراتژی کامل و منسجمی برای اهدافی که در نظر گرفته بود تدوین کند. این شورا قادر نشد تحلیل جامع و کاملی از اوضاع جنگ و صلح به دست دهد. اعضای ارشد این شورا همیشه بر عوامل درونی منازعه خونین افغانستان تأکید و تمرکز می‌کردند و از کنار انگیزه‌های بیرونی و استخباراتی این منازعه به سرعت می‌گذشتند. در چنین حالتی هیچ کس توقع نداشت که اینان بتوانند به تحلیل درست از چندی‌چون منازعه جاری برسند و راه‌حل‌های درست برای آن ارائه کنند. به نظر می‌رسید که این شورا از این خوشحال بود که می‌تواند پول‌های گزاف را بی‌حساب مصرف کند و زنده‌گی لوکس برای اعضایش فراهم سازد. حتا تا وقتی هم که حکومت وحدت ملی به‌وجود آمد، این شورا در سردرگمی به‌سر می‌برد و تلاش‌هایش جز این که به تطهیر طالبان بینجامد، ثمر دیگری نداده بود.

در آن سال‌ها آن شمار مقام‌های دولت افغانستان که به صورت بی‌رویه از صلح دم می‌زدند و به رسانه‌ها هم سپرده بودند که در این زمینه سنگ تمام بگذارند، از این نکته غافل بودند یا آن را نادیده می‌گرفتند که صلح‌خواهی یک‌طرفه علاوه بر آن که به نتیجه مطلوب در راستای تأمین صلح نمی‌انجامد، طرفداران جمهوری را بی‌انگیزه و بی‌مورال می‌سازد. این کار به مرور زمان اتفاق افتاد. در سال‌های منتهی به سقوط نظام جمهوری، بسیاری از سیاستمداران و فعالان سیاسی ضد طالبان، بی‌طرفی را انتخاب کرده بودند و یا با طالبان رابطه ایجاد کرده بودند و به این تصور بودند که طالبان با دستیابی به قدرت، سهمی از آن به آن‌ها قایل خواهند شد. طالبان از وضع روانی‌ای که نخبه‌گان سیاسی در افغانستان در آن گرفتار شده بودند، بهترین استفاده را کردند. وقتی نظام سقوط می‌کرد آن سیاستمدارانی که روزگاری علیه طالبان جنگیده بودند، ترجیح می‌دادند اشرف غنی سقوط کند و طالبان قدرت را به دست گیرند. آن‌ها فریب تبلیغات رسانه‌های غربی را خورده بودند که طالبان امروز طالبان دیروز نیستند و اگر پیروز شوند به دیگران هم حق قایل خواهند شد. اکنون نیز عده‌ای از فعالان سیاسی و سیاستمداران در تبعید از مذاکره با طالبان، برقراری صلح و تشکیل حکومت فراگیر سخن می‌زنند. واضح است که طالبان هرگز حاضر به پذیرش خواست‌های مخالفان سیاسی خود نیستند. زمانی که طالبان در حالت ضعف قرار داشتند و حاشیه‌نشین بودند حاضر به مذاکره با دولت وقت افغانستان نشدند، اکنون که در

اوج اقتدار قرار دارند و چالش جدی‌ای هم فراراه‌شان وجود ندارد، بعید است تن به این کار دهند. طالبان گروه تمامیت‌خواه و انحصارطلب است و اگر روزی تن به سازش داده و به احزاب و گروه‌های دیگر اجازه فعالیت و حضور در دستگاه دولت بدهد، ماهیت خود را از دست می‌دهد و قدرت و صلابتش از بین می‌رود. طالبی که انحصارگر نباشد طالب نیست.

در وضعیت کنونی راه‌اندازی جنگ علیه طالبان، انتخاب دشوار و پرچالش است. هم اکنون دسته‌هایی از افراد مسلح که علیه حاکمیت طالبان در کشور دست به فعالیت مسلحانه می‌زنند، با هزار گرفتاری و مشکل مواجه‌اند. علاوه‌تاً در مورد تأثیرگذاری این فعالیت‌ها هم سوال‌ها و ابهام‌هایی وجود دارد. با این حال، مخالفان سیاسی و نظامی طالبان باید این نکته را آویزه گوش خود سازند که طالبان به آسانی تن به مصالحه با مخالفان نمی‌دهند. شاید محاسبه رهبران طالبان این است که سازش این گروه با مخالفان، تبلیغات این گروه بر ضد نظام جمهوری را بی‌اثر می‌کند و انگیزه نیروهایش را در وفاداری به رهبری کاهش می‌دهد. ظاهراً طالبان دوست ندارند اشتباهاتی را مرتکب شوند که رهبران جمهوری مرتکب شدند و این لغزش‌ها موجب پراکنده‌گی صفوف در نظام جمهوری شد. به همین دلیل است که یوتیوب‌بران طالبان در این دو سال، بر زشت‌نمایی رهبران جمهوری تمرکز کرده‌اند و با راه‌اندازی تبلیغات گسترده علیه آن‌ها، حقانیت این گروه را به هواداران خود ثابت می‌کنند.

رهبران سیاسی در تبعید یا باید با الگوگیری از طالبان دست به خشونت بزنند و بکشند قدرت را با زور سلاح از طالبان بگیرند که چنین کاری در حال حاضر بعید به نظر می‌رسد، چرا که نه این رهبران به آن اندازه از تاثیرگذاری در داخل افغانستان برخوردارند که دسته و گروه مسلح ایجاد کنند و نه جامعه جهانی از راه‌اندازی یک جنگ دیگر حمایت می‌کند. پیروزی بدون داشتن جغرافیا و بدون حمایت خارجی امر دشوار است. گزینه دوم فرار از این رهبران این است که بدون قید و شرط به امارت طالبان بیعت کنند. بی‌تردید اگر قرار باشد در سایه حاکمیت طالبان، صلحی برقرار شود صلح ناعادلانه خواهد بود. در جامعه‌ای که عدالت برقرار نباشد، امنیتی که به‌وجود می‌آید امنیت پایدار نیست. تراکم بی‌عدالتی‌ها خواه ناخواه روزی به انفجار منجر می‌شود.

معمولاً در روابط بین‌الملل وقتی از صلح سخن زده می‌شود مقصود اصلی «صلح منفی» و فقدان خشونت است، در حالی که اگر تعریف جامع‌تر از صلح ارائه شود، به‌گونه بهتر می‌تواند راه‌حلی برای مشکلات پیش‌آمده ارائه کند. صلح و عدالت باید در کنار هم قرار گیرند. حق آن است که نهادینه‌شدن ارزش‌های عدالت‌گرایانه در یک جامعه، زمینه را برای صلح واقعی هموار می‌کند. شما چه‌طور می‌توانید در جامعه‌ای که فاقد عدالت و امنیت باشد دم از صلح بزنید. صلح و عدالت و امنیت و پیشرفت باید در کنار هم قرار گیرند و باید به موازات هم جلو بروند. صلح واقعی و کامل، چه در سطح یک کشور و چه در گستره جهانی، بدون عدالت امکان تحقق ندارد. صلحی که طالبان از آن سخن می‌زنند به «آرامش گورستان» شبیه است و حقوق و آزادی‌ها را به کلی نادیده می‌گیرد و مدنیت‌زدایی می‌کند. برقراری چنین صلحی نه تنها هیچ سودی به حال افغانستان نمی‌کند بلکه این کشور را برای سال‌های طولانی از نعمت پیشرفت و ترقی و همراهی با کاروان تمدن بشری محروم می‌سازد و در ظلمت وحشتناک قرون وسطا نگه می‌دارد.

## سیاست طالبان منعکس کننده «آپارتاید جنسیتی» است



۸ صبح

طالبان زنان و دختران افغانستان را در بیش از دو سال گذشته از حوزه جمعی حذف کرده‌اند. این گروه، حقوق زنان را به صورت گسترده نقض و آنان را از ابتدایی‌ترین حقوق انسانی محروم کرده‌اند. براساس گزارش‌های نهادهای بین‌المللی حقوق بشری، طالبان بیش از ۵۰ فرمان منع‌کننده صادر کرده‌اند که زنان را به حاشیه کشانده است. به‌تازگی در حاشیه اجلاس هفتادوهشتمین مجمع عمومی سازمان ملل متحد نشست «آپارتاید جنسیتی» و وضعیت زنان و دختران در افغانستان» با حضور کارشناسان ارشد سازمان ملل متحد برگزار شده است. سازمان ملل متحد با ابراز نگرانی عمیق از وضعیت بد حقوق بشری به‌ویژه آسیب‌پذیری زنان و دختران، هدف این نشست را بررسی «آپارتاید جنسیتی» و موضوعات مبرم مربوط به حقوق زنان و حقوق بشر اعلام کرده است. این سازمان تاکید کرده که وضعیت زنان در افغانستان منعکس کننده «آپارتاید جنسیتی سیستماتیک» است. طالبان اما به شکنجه، بازداشت و وضع ممنوعیت علیه زنان ادامه داده‌اند. این گروه به‌تازگی یکی از زنان معترض را با کودک چهارساله‌اش بازداشت کرده‌اند.

شماری از کارشناسان ارشد حقوق بشری سازمان ملل متحد در نشست هفتادوهشتمین مجمع عمومی سازمان ملل متحد «آپارتاید جنسیتی» در افغانستان علیه زنان و دختران را به بررسی گرفته‌اند. سازمان ملل متحد گفته است که با برگشت دوباره طالبان به قدرت، نقطه عطف و مهم در افغانستان رقم زده شده است. به گفته این سازمان، نگرانی‌های عمیقی نسبت به حقوق بشر و حقوق زنان در این کشور به میان آمده است.

این سازمان گفته است که در یکی از نشست‌های حاشیه‌ای هفتادوهشتمین مجمع عمومی سازمان ملل «آپارتاید جنسیتی» در افغانستان و موضوعات مبرم حقوق بشری و حقوق زنان در زیر سیطره حاکمیت طالبان، به بررسی گرفته شده است. در وب‌سایت سازمان ملل متحد در مورد این نشست آمده است: «در حالی که جامعه بین‌المللی برای مجمع عمومی سازمان ملل متحد گرد آمده، مقابله با چالش‌های چندوجهی که زنان افغانستان با آن روبه‌رویند و حمایت پرشور از حقوق و منزلت اساسی آن‌ها ضروری می‌شود.»

سازمان ملل افزوده است که تحت سلطه رژیم طالبان، زنان و دختران افغانستان خود را درگیر چالش‌های متعددی می‌بینند که به حذف تقریباً کامل آنان از جامعه ختم می‌شود. به گفته سازمان ملل، این چالش‌ها عمیقاً ریشه‌دار است و جنبه‌های مختلف زندگی زنان را در بر می‌گیرد و منعکس کننده «آپارتاید جنسیتی» و سیستماتیک است.

گفتنی است که «آپارتاید جنسیتی» از سوی طالبان در حالی در هفتادوهشتمین مجمع عمومی سازمان ملل متحد مورد بحث قرار می‌گیرد که پیش از این شماری از جنبش‌های اعتراضی زنان از این سازمان خواسته‌اند که «آپارتاید جنسیتی» در افغانستان زیر حاکمیت طالبان را به رسمیت بشناسد. چندی قبل تنها زیربانی، از دختران معترض، در شهر کلن آلمان دست به اعتصاب غذایی زده بود. او با اعتصاب دوازده‌روزه خود، از سازمان ملل متحد و پارلمان آلمان خواست که «آپارتاید جنسیتی» توسط طالبان را به رسمیت بشناسند. شماری دیگر از دختران و زنان معترض نیز در حمایت از این اعتراض در شهرهای مختلف جهان از جمله در اسلام‌آباد، پایتخت پاکستان، اعتصاب غذایی کردند.

همچنان مهره فابی، دگرباشان جنسی، نیز برای به رسمیت شناسی «آپارتاید جنسیتی» علیه جامعه «LGBTQA» افغانستان، در شهر مالمو سوئدن اعتصاب غذایی کرده بود

که خیمه اعتراضی او از سوی پولیس این کشور برچیده شد. او اعتراض خود را در نقطه‌ای دیگر از این شهر از سر گرفته و از سوئدن و سازمان ملل متحد می‌خواهد که «آپارتاید جنسیتی» طالبان علیه دگرباشان جنسی و زنان را به رسمیت بشناسند. قبل از این، ریچارد بنت، گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل متحد، با نشر گزارشی از جهان خواسته بود تا «آپارتاید جنسیتی» در حال وقوع در افغانستان را به‌عنوان یک جنایت بین‌المللی در نظر بگیرد. او از طالبان نیز خواسته است که در قبال آزاروآذیت‌های شدید و سیستماتیک زنان، پاسخگو باشند. آقای بنت در آن گزارش خود تاکید کرده است که اقدام‌های طالبان علیه زنان در افغانستان می‌تواند «آزاروآذیت جنسی» و «جنایت علیه بشریت» توصیف شود. او افزوده است: «تبعیض شدید، سیستماتیک و نهادینه‌شده علیه زنان و دختران، در قلب ایدئولوژی و حکومت طالبان جای دارد. اگرچه چنین نقض‌های جدی حقوق بشری هنوز به‌عنوان یک جنایت صریح بین‌المللی شناخته نشده، اما لازم است که در این باره مطالعات بیش‌تری انجام شود.»

طالبان با تسلط بر افغانستان، دستورهایی سخت‌گیرانه‌ای را اعمال کرده‌اند که در پرتو آن زنان از همه حوزه‌های عمومی زنده‌گی حذف شده‌اند. در حال حاضر زنان به‌گونه رسمی از صنف سوم به بالاتر حق آموزش و ادامه تحصیل ندارند و از کار در همه نهادهای دولتی و خصوصی به غیر از بخش‌های صحتی محروم شده‌اند.

گفتنی است که در نشست سازمان ملل ریچارد بنت، گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل متحد، هدر بار، مسوول بخش زنان دیدبان حقوق بشر و شماری از فعالان سیاسی و حقوق زنان افغانستان اشتراک داشته‌اند. هنوز روشن نیست که برای به رسمیت شناسی «آپارتاید جنسیتی» طالبان در افغانستان چه اقدام‌ها و برنامه‌های مشخص روی دست گرفته خواهد شد، اما این درخواست از سوی اکثریت زنان و جامعه روشن‌فکری افغانستان به‌شکل گسترده و متواتر مطرح شده است.

زنان معترض افغانستان با راه‌اندازی راه‌پیمایی‌های اعتراضی و نشست‌های خبری، پیوسته از جامعه جهانی به‌ویژه سازمان ملل متحد خواسته‌اند که نقض گسترده حقوق بشری از سوی طالبان را به‌عنوان جنایت علیه بشریت و آپارتاید جنسیتی به رسمیت بشناسند. طالبان اما گفته‌اند که اقدام‌های محدودکننده علیه زنان موقتی است و آنان در پرتو شریعت به زنان ارزش می‌دهند.

طالبان در تازه‌ترین مورد یک زن معترض و کودک چهارساله‌اش را از کابل بازداشت کرده‌اند. ندا پروانی، زن معترض، بیش از یک هفته می‌شود که توسط طالبان بازداشت شده است و تا کنون از محل اختفا و سرنوشت او و کودکش اطلاعی در دست نیست.

## رنج، زحمت و مقاومت

کوشایه ارملاح

روی چوب‌های شکسته شده، به مریم می‌رسیم.

مریم بیست‌وپنج سال سن دارد. او و سه کودکش در همین خانواده پانزده‌نفری با حمیرا زنده‌گی می‌کنند. مریم عروس کوچک حمیراست. او هم مثل هزاران زن افغانستانی، داستان سرد و سیاه خودش را دارد. مریم از روزهایی یاد می‌کند که شوهرش زنده بود و به نظام جمهوری خدمت می‌کرد. آن روزها را بهترین و شادترین روزهای در زنده‌گی‌اش می‌داند که هیچ‌گاه برایش تکرارشدنی نیست. اما فکر آن روزها و حرف زدن از دوران شاد زنده‌گی‌اش، سبب می‌شود که چهره‌اش حالت اسرارآمیز به خود بگیرد. به محض این‌که چیزی به ذهنش می‌گردد، تا این‌که به زبان بیاورد، آشوبی در چهره‌اش می‌نماید که از افکار درهم‌تنیده او در مورد گذشته سخن می‌گوید. آرام نشستن برایش غیرممکن است. بلافاصله اشک از چشمانش سرازیر می‌شود: «اگر آن زمان‌ها را داشتیم، اگر شوهرم را داشتیم و اگر جمهوری بود، من با این سنم جان‌کشی نمی‌کردم.»

مریم هنوز به این زنده‌گی عادت نکرده است. او دوست ندارد همانند خشویش نانوا باشد؛ اما برای سیر کردن شکم بچه‌هایش مجبور است صبح‌ها در میان دود تندور خودش را ببیند و برای دیگران نان بپزد.

رشته افکار مریم گویا در ناکجا از هم پاره می‌شود. سکوتی پس از چند لحظه گفت‌وگو بین‌مان اتفاق می‌افتد. یک سال است که او در کنار مادر شوهرش نان می‌پزد. می‌گوید: «به خاطر کمک شدن به خشویش باید ما هم کار کنیم. ما جز خودمان کس دیگری را نداریم.» بودن حمیرا در زنده‌گی این خانواده را شبیه ستون محکمی است که خانواده را استوار نگه داشته است. صدای شکستن چوب می‌آید. حمیرا هیژم آتش فردا را آماده دارد. دود تنور و شکستن چوب گاهی حتی همسایه‌ها را آذیت می‌کند. حمیرا می‌گوید: «خداوند حفظ‌شان کند، آن قدر آدم‌های خوبی هستند که از این صداها هیچ شکایتی نکرده‌اند. برای همین شکرگزارشان هستیم.» دوباره با نگاهی که از آن مهربانی می‌بارد و در عین حال روای خسته‌گی‌هاست، به مریم می‌بیند و اشاره می‌کند که خانه برویم و چای صرف کنیم. چندی کنارش می‌نشینم و نوشیدن چای را برای دفعه بعد وعده داده از جایم بلند می‌شوم.

در لحظه‌های آخر به چهار طرف حویلی حمیرا نگاه می‌کنم. خانه‌های کاه‌گلی که قطار گردآگرد حویلی‌اند و حیاط خامه خاک‌دار که همرنگ خانه است. به جزییات اطراف حمیرا و مردم نگاه می‌کنم، به زنان قامت بلند، به حمیرا، زنی با کمربند نسبتاً خمیده که پیراهن گل‌گلی سبز به تن دارد. حمیرا زنی سخت‌جان و مهربان است. لبخندش مانند لبخند مادر بزرگ‌ها شیرین است. به قصد خداحافظی، دست‌ان را حلقه دستش می‌کنم. لبخند گرمی روی لب‌هایش نقش می‌بندد و او را با کوله‌بار رنج‌هایش ترک می‌گویم. زنی را که با درد و رنج زنده‌گی‌اش در میان همان خانه کاه‌گلی استوار ایستاده است تا زنده‌گی‌اش را از همان‌جایی که چند لحظه قبل متوقف کرده بود، از سر بگیرد.

وقتی به صورتش نگاه کردم، خندیدم. در پس خنده‌هایش، غم بزرگی نهفته بود. در عین حال، به دلیل چین و چروک‌های صورتش، شبیه پیرزن‌های هشتادساله می‌نمود. اگر چه هنوز میان‌سالی را پشت سر نگذاشته، اما چروکیده و شکسته شده است. وقتی از او پرسیدم که چند سال دارد، به طرفم نگاه کرد و بعد با اشاره به صورتش گفت: «به ظاهر من نبین. فکر می‌کنی پیر هستم، اما من چهل‌وهفت‌ساله هستم.»

به چروک‌های دست و صورتش اشاره کرد: «این خط‌های درشت را می‌بینی؟ تمام این‌ها نشانه‌های سختی روزگار است که حتا کرم را خمیده‌تر از سنم کرده است.» او سرپرست یک خانواده پانزده‌نفری است که با سه عروس و نواسه‌هایش زنده‌گی می‌کند. می‌گوید: «من مجبورم که خرج خانواده‌ام را پیدا کرده و از نواسه‌ها و بیوه‌های پسرانم مراقبت کنم.»

حمیرا (مستعار) بزرگ خانواده‌اش است. او با سختی‌های زیادی دست‌وپنجه نرم می‌کند، اما محکم ایستاده است تا ستون خانواده‌اش استوار بماند و نگذارد سقف خانه فرو بریزد. حمیرا چند سالی شده که نانواست. تندور داغ او، شکم پانزده نفر اعضای خانواده را سیر می‌کند. می‌گوید: «خدا مهربان است، گاه کم و گاه هم زیاد. می‌گذرانیم و زنده‌گی‌مان به بخورونمیر می‌گذرد.» اشاره او به سختی‌هایی است که این روزها او را در هم می‌فشارد، از نبود پسرانش تا زنانی در خانه که توانایی انجام کارهای شاقه را ندارند. تمام کارهای شاقه در درون و بیرون خانه بر دوش این زن میان‌سال است. بوجی‌های چوب را بر شانه‌های خود تا حویلی انتقال می‌دهد و تا نیمه‌های شب، چوب‌ها را جابه‌جا می‌کند: «سنوهایم را نمی‌گذارم تا به کارهای مردانه دست بزنند. آخر می‌ترسم مردم حرف بدی در موردشان بزنند. هر چه نباشد، آن‌ها جوان هستند.»

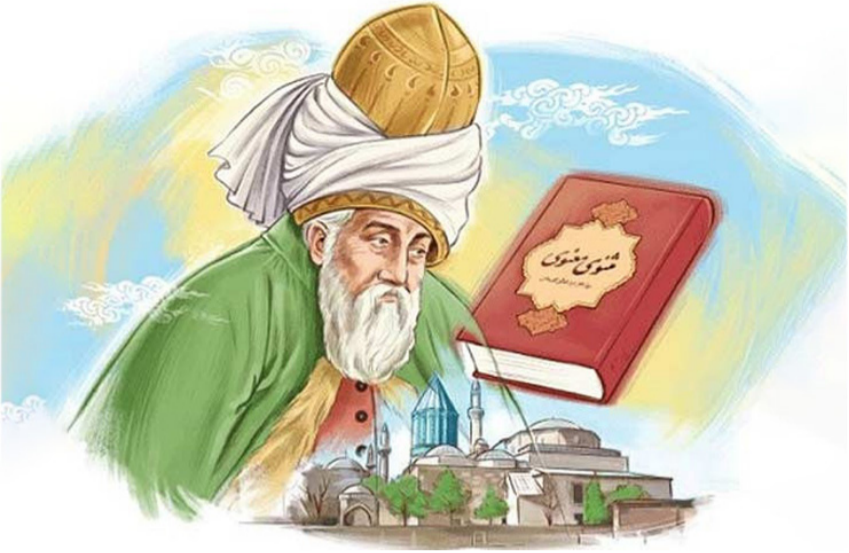


با این‌که او عروس‌هایش را اجازه کار نمی‌دهد، اما آن‌ها در کمک به او پیش‌دستی می‌کنند. صبح‌ها را با تکه و پارچه کردن چوب می‌گذرانند تا برای سوختن در تنور آماده باشند. می‌گوید که دیگر برای این کارها زیادی پیر شده است و توانایی‌هایش مثل گذشته برایش نمانده‌اند. به جبین او می‌بینم. خسته‌گی از سر و صورتش می‌بارد. حتا حوصله‌ای برای حرف زدن هم ندارد. حمیرا را بر سر تندور و چوب‌های در حال سوختن رها کرده و با گذشتن از

# اسرار رستگاری از دید

## مولانا جلال الدین محمد بلخی

کلمه میر الهام‌الدین سادات



دنیا و همه هستی مسلط ساخت تا ویژه‌گی‌ها و صفات حق تعالی را در خود منعکس سازد.

چنانچه می‌فرماید:

پس خلیفه ساخت صاحب سینه‌ای  
تا بود شاهیش را آینه‌ای

ولی با این همه برتری‌های فطری، بازتاب تصویر بلاکیف حضرت حق در وجود آدمی به کمال خود نخواهد رسید، مگر این که انسان با شناخت دقیق از خودش و خالقش به مرتبه انسان کامل برسد. خودشناسی در جهان‌بینی حضرت مولانا آن قدر درخور اهمیت است که می‌فرماید: هیچ یک از علوم زمان ارزش و شایسته‌گی معرفت انسان و خودشناسی را ندارد. مولانا اذعان می‌دارد که باید از خود شروع کنیم. او شناخت خدا را منوط به شناخت انسان از خودش می‌داند:

بهر آن پیغمبر این را شرح داد  
هر که خود بشناخت یزدان را شناخت

در بینش عالی مولانا جلال‌الدین محمد بلخی به جایگاه بس رفیع و بزرگ آدمی، یعنی خلافت و نیابت خدا در زمین با استناد به آیه شریفه انی جاعل فی الارض خلیفه (من در زمین خلیفه‌ای خواهم گماشت) اشاره می‌شود. مولانا هدف عمده این گزینش بزرگ را آینه‌داری از قدرت، کمال، جلال و جمال ذات اقدس الهی به‌وسیله انسان می‌خواند. چنانچه خود گفته است:

پس خلیفه ساخت صاحب سینه‌ای  
تا بود شاهیش را آینه‌ای

یا  
آدم اسطربلاب اوصاف علوست  
وصف آدم مظهر آیات اوست  
هر چه در وی می‌نماید، عکس اوست  
همچو عکس ماه، اندر آب جوست

حضرت مولوی برتریت انسان بر سایر مخلوقات را از برکت روح مصفای ملکوتی‌ای که از جانب پروردگار در کالبد خاکی‌اش دمیده شده، و عقل منکشفش می‌داند که در آیات «وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي» و «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا» بیان شده است. چنانچه می‌فرماید:

چشم آدم چون به نور پاک دید  
جان و سر نام‌ها گشتش پدید  
چون ملک انوار حق در وی بیافت  
در سجود افتاد و در خدمت شتافت  
این چنین آدم که نامش می‌برم  
گر ستایم تا قیامت قاصر م

از دید مولانا وجود اصلی و نظام باطنی انسان در مجموع دارای هفت بُعد یا هفت اصل عمده هستی‌شناسانه است که شناخت دقیق، علمی و عملی از این هفت اصل که عبارت از روح، نفس، دل (قلب)، ملک یا همکار روح، شیطان یا همکار نفس، مغز و تقویت‌کننده‌های روح و نفس می‌باشد، شناخت کامل از انسان بوده و انسان را به سعادت دنیایی و اخروی می‌رساند.

حضرت مولانا روح را به‌مثابه یک عنصر مستقل و مقدس می‌داند که منحیت عامل حیات در کالبد خاکی انسان از جانب پروردگار دمیده شده است. او می‌فرماید:

چون نَفَخْتُ بودم از لطف خدا  
نَفَخَ حق باشم ز نای تن جدا  
همچنان مولانای رومی روح انسان را به تأسی از آیه شریفه «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي» تحفه‌ای از عالم بالا و از جانب پروردگار می‌داند که عامل حیات و قوه جاذبه و کشاننده انسان به طرف بالا، نیکویی‌ها و خوبی‌هاست:  
پس له الخلق و له الامرش بدان  
خلق صورت، امر جان، راکب بر آن

روح چون من امر ربی مختفی‌ست  
هر مثالی که بگویم منتفی‌ست

در جهان‌بینی مولانا، روح به‌عنوان عامل حیات و عقل به‌حیث عامل علم و دانش و آگاهی در وجود انسان، هر یک جایگاه خاص دارند. روح نه تنها به‌حیث عامل حیات در وجود بلکه وسیله تقرب به ذات اقدس الهی و یگانه وسیله کشف اسرار بعد نامرئی چهارم است. عقل به‌حیث کاشف اسرار اشیای مادی و همکار روح است. از نظر مولانا، موجودیت روح و عقل، این دو موجود قدسی در نظام باطنی انسان، عامل اساسی برتری وی و دلیل تصاحب تاج و مقام کرامت بر سایر موجودات است که در وجود خاکی انسان به‌طور موقت به ودیعه گذاشته شده و همواره گرایش به‌سوی وصل شدن به اصل خویش و رهایی از این عالم خاکی دارد. مولانا در این خصوص می‌فرماید:

همچو هاروت و چو ماروت آن دو پاک  
بسته‌اند اینجا به چاه سهمناک

مولانا جلال‌الدین محمد بلخی ارزش وجود مادی انسان و همه جاه و مقام و منزلتش در دنیا و همه تعلقات دنیایی‌اش را از برکت روح مصفایی می‌داند که در قالب این جسم از جانب پروردگارش دمیده شده است و وجود ناچیز و خاکی و بی‌ارزش انسان از برکت وجود روح ملکوتی وی ارزش یافته است. از دید وی، ارزش روح انسان نیز مربوط و منوط به چه‌گونه‌گی و قوت و مداومت ارتباطش با اصلش (پروردگار) می‌باشد و بس:

همچنان که قدر تن از جان بود  
قدر جان از پرتو جانان بود

در کلام مولوی، دو عنصر نفس و روح مکرراً در مقابل هم قرار دارند. نفس انسان، به سان پوسته‌ای است که تکمیل‌کننده نیازمندی‌های جسمی انسان بوده و هرگاه تزکیه نشود در همراهی شیطان، انسان را به‌سوی همه بدی‌ها و پستی‌ها و ناکامی‌ها می‌کشاند، و روح یا جان، جوهر وجودی انسان است که چون خاستگاه ملکوتی و آسمانی دارد، پیوسته مشتاق علو و پرکشیدن و بالا رفتن و بالا بردن مقام انسان است؛ در حالی که نفس به مقتضای سرشت خاکی خویش، میل به ماندن و فرورفتن در زمین و آنچه از زمین و بر روی زمین هست، دارد. جان خواهان لذات عالی است و تن در پی تمتعات زودگذر و آنی:

میل تن در سبزه و آب روان  
زان بود که اصل او آمد از آن  
میل جان اندر حیات و در حی است  
زان که جای لامکان اصل وی است

مولانا جلال‌الدین محمد بلخی بر برتری انسان مشروط به حاکمیت روح بر هواجس نفسانی تأکید مزید داشته و می‌فرماید:

روح اگر غالب شود پس شد فزون  
از ملایک این بشر در آزمون

اما به انسان‌های مغلوب و پیرو نفس و شیطان چنین نگاه می‌کند:

شهوَت از غالب شود پس کمتر  
از بهایم این بشر زانک ابرتر است

نگاه مولانا به پدیده نفس، همسو با نگرش کلی قرآنی و عرفانی از این پدیده است. از منظر مولوی، نفس عبارت از فشرده و خلاصه خواص تن خاکی انسان است که همواره بنا بر طبیعتش گرایش‌هایی نیز در اثر وسوسه‌های شیطان به‌سوی پستی‌ها و فرآورده‌های مادی زمین دارد:

نسبت اصلم ز خاک و آب و گل  
آب و گل را داد یزدان جان و دل

جمله قرآن شرح خُبث نفس‌هاست  
بنگر اندر مصحفش چشمت کجاست؟  
یا

این دو همه همدگر را راهزن  
گمراه آن جان کو فرو ناید ز تن  
جان ز هجر عرش اندر فاقه‌ای

تن ز عشق خار بُن چون ناقه‌ای  
جان گشاید سوی بالا بال‌ها  
در زده تن در زمین چنگال‌ها

باز در ابیاتی از کشمکش مختلف‌الجهت روح و نفس و میل در بازگشت به اصل‌شان که عامل اصلی ناقاری‌های باطنی انسان‌هاست، سخن می‌گوید:

میل تن در سبزه و آب روان  
زان بود که اصل او آمد از آن  
میل جان اندر حیات و در حی است  
زانکه جای لامکان اصل وی است  
میل جان در حکمت است و در علوم  
میل تن در باغ و راغ است و کرم  
میل جان اندر ترقی و شرف  
میل تن در کسب و اسباب علف

از دید مولانا، نفس دارای سه مرتبه وجودی - رشدی است که به ترتیب عبارتند از: نفس اماره بالسوء (نفس بسیار امرکننده به بدی)، نفس لوامه (نفس سرزنش‌گر) و نفس مطمئنه (نفس آرام). از میان این سه، نفس اماره مرتبه‌ای از نفس است که در همراهی با شیطان، آدمی را به ارتکاب شر و بدی دستور می‌دهد. نفس لوامه نفسی است که خود را در قبال ارتکاب خطا و گناه سرزنش می‌کند و میل آن دارد که خویشتن را از آلوده‌گی‌ها پاک ساخته و به مرتبه فراتر بر کشد. و نفس مطمئنه آخرین و بالاترین مرحله رشد اخلاقی و معنوی انسان است؛ نفسی که در تمکین کامل از مشیت و رضای پروردگارش به آرامش و رستگاری واقعی رسیده است.

حضرت مولانا در مورد همکاری شیطان با نفس در کشاندن انسان به‌سوی بدی‌ها و ایجاد ناقاری و کشمکش در ذهن و قلبش می‌فرماید:

لیک نفس نحس و آن شیطان زشت  
می‌کشندت سوی کفران و کشت  
یا

چه کنم من چه کنم من که بسی وسوسه‌مندم  
گه از این سوی کشندم گه از آن سوی کشندم  
مولوی معتقد است که قلب انسان منحیت مرکز کنترل بیداری‌های معنوی و آگاهی‌های ایمانی و کارگردانی‌های ملکی و شیطانی در وجود انسان بوده و همیشه فعال مطلق در کنترل تمام افعال و اقوال و حرکات تمام اعضای وجود وی است. چنانچه با استدلال حدیثی از پیامبر اکرم می‌فرماید:

همچنین هر پنج حس چون نایره  
بر مراد امر دل شد جایره  
هر طرف که دل اشارت کردشان  
می‌دود هر پنج حس دامن‌شان  
دل و پا در امر دل شد مبتلا  
همچو اندر دست موسا آن عصا  
در بخواهد پا درآید زو برقص  
یا گریزد سوی افزونی و نقص  
دل بخواهد دست آید در حساب  
یا اصابع تا نویسد او کتاب

یا  
گفت پیغمبر که خسپد چشم من  
لیک کی خسپد دلم اندر وسن  
وصف بیداری دل ای معنوی  
در ننگجد در هزاران مثنوی

ادامه در صفحه ۷

# اسرار رستگاری...

قرآن نیز در مورد قلب، اهمیت، عظمت و نقش آن در کشاندن انسان به سوی سلامتی یا فساد در بیش از ۱۶۰ آیت ارشادات روشن دارد. مسلماً مولانا و اولیای صاحب بصیرت دیگر، درک این ارشادات قرآنی و مثل آن احادیث نبوی را از ساحه علم‌الیقین به سرحد عین‌الیقین رسانیده‌اند. مولانا در اشاره به دید دل و اهل دل می‌گوید:

عکس هر نقشی نتابد تا ابد  
جز ز دل، هم با عدد، هم بی‌عدد  
اهل صیقل رسته‌اند از بو و رنگ  
هر دمی بیند خوبی بیدرنگ  
نقش و قشر علم را بگذاشتند  
رایست عین‌الیقین افراشند

اکثریت دانشمندان ژرف‌نگر و مولوی شناسان حقیقی، هدف نهایی مولوی و جهان‌بینی‌اش را عبارت از رسیدن انسان به مقام سعادت از ورای شناخت حقیقی از خودش و خدایش توصیف می‌کنند. حقیقت این است که از دید مولوی، دردناک‌ترین شوربختی، فراق از خداوند و والاترین سعادت، بازگشتن به جوار اوست.

با این همه، انسان کنونی، این عرش‌نشین فروافتاده بر عالم خاک و پابند نفس و شیطان چالاک، درمندان از اصل خویش جدا گشته و چون نای بریده از نیستان ازلی، در آرزوی بازگشت به موطن اصلی خود ناله سر می‌دهد:

بشنو از نی چون حکایت می‌کند  
وز جدایی‌ها شکایت می‌کند  
کز نیستان تا مرا بیربیده‌اند  
از نفریم مرد و زن نالیده‌اند  
سینه خواهم شرحه‌شرحه از فراق  
تا بگویم شرح درد اشتیاق

از دید مولوی، این جدایی دردآور که عامل اصلی همه ناآرامی‌های فردی و اجتماعی انسان‌ها و سبب اساسی خودخواهی‌ها و ظلم و بی‌عدالتی‌های انسان در حق همنوعانش شده است، حاصل خطا زده‌گی اندیشه و به خطا رفته‌گی بینش و شناخت آدمی از پدیده‌های هستی‌شناسی یا همان مواضع مورد بحث در جهان‌بینی الهی است؛ آفتی که همانا تحفه شیطان لعنت‌شده و نفس اماره و پیروی از این دو راهزن می‌باشد:

یک قدم آدم زد اندر ذوق نفس  
شد فراق صدر جنت طوق نفس

حضرت مولانا لازمه وصال به حق و نجات از این دوری، مهجوری، بدبختی و سرگردانی انسان‌های مغلوب نفس را نیز در تزکیه نفس و رساندن آن به مرحله تصفیه قلب که با داشتن شناخت دقیق از انسان به‌دست می‌آید، می‌داند و بس:

نفس خود را گش جهان را زنده کن  
خواجه را کشته است، او را بنده کن  
پس چو آهن گر چه تیره هیکی  
صیقلی کن صیقلی کن صیقلی

نشانه آن کمال، رهایی انسان و جهان از پنگال نفس، انانیت، خودخواهی و ظلم‌پروری، حرص بی‌جا، تفاخرات و خودبرتربینی‌های بی‌جا و غیره خباثت‌های فردی و اجتماعی است که از یک طرف تمام انسان‌ها را در زنده‌گی فردی و اجتماعی آن حداقل به آرامی و رستگاری می‌رساند و نتیجه نهایی حصول این مدارج نیز به حصول مکاشفه و دید بعد چهارم منتهی می‌شود، که مختص اولیا و پرهیزگاران و انسان‌های به کمال رسیده و یگانه وسیله کامیابی و آرامی همه بشر شوریده‌سر امروزی در دنیا و آخرت است. مولوی در خصوص انسان ایده‌آل و آرمانی خویش می‌گوید:

برترند از عرش و کرسی و ز جا  
ساکنان مقعد صدق خدا

او منحیت دعوت‌گر روشن ضمیر، این برداشت صحیح از انسان کامل را از آیات کریمه سوره قمر اخذ کرده که می‌فرماید: «إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهْرٍ - فِي مَقْعَدِ صَدَقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ» (یقیناً پرهیزگاران در باغ‌ها و نهرهای بهشتی جای دارند و در جایگاه صدق نزد خداوند مالک مقتدر).

بیشک که در شأن و شخصیت عالی و مقام علمی و روحی مولانای بزرگ درست گفته‌اند که:

من چه گویم وصف آن عالی جناب  
نیست پیغمبر ولی دارد کتاب

## روز جهانی زنان شاغل؛

# محرومیت از کار زنان افغانستان را افسرده کرده است

کیم بهینا

همزمان با فرارسیدن روز جهانی زنان شاغل، اکثریت زنان شاغل در افغانستان در وضعیت رقت‌بار اقتصادی و روانی به سر می‌برند. پس از آغاز حاکمیت طالبان، زنان براساس دستورات زن‌ستیزانه این گروه، از کار در ادارات دولتی و غیردولتی محروم و یا محدودیت‌های شدیدی بر نحوه کار آنان ایجاد شده است. این گروه در ابتدای حاکمیتش زنان را به بهانه‌های مختلف از مشاغل و مناصب‌شان برکنار کرده و جو کاری را در سازمان‌ها مردانه ساخته‌اند. شماری زنانی که در دوره جمهوریت شغل‌های مختلف در ادارات گوناگون داشتند، اکنون خانه‌نشین شده‌اند و در وضعیت بد اقتصادی و سلامت روانی به سر می‌برند. آنان آینده افغانستان را در صورت عدم مشارکت زنان در عرصه‌های مختلف، نگران‌کننده می‌خوانند و می‌گویند که طالبان پس از روی کار آمدن نه‌تنها زنانی را که در ادارات مختلف زنانه مردانه کار می‌کردند برکنار کرده، بلکه سازمان‌های کاری زنانه را نیز به بهانه‌هایی چون عدم مراعات حجاب و شریعت، بسته‌اند. شماری از دانش‌آموخته‌گان دختر نیز پس از فارغ‌التحصیلی، نگران آینده شغلی‌شان در حاکمیت طالبان هستند. آنان می‌گویند که دوام حاکمیت این گروه نه‌تنها آن‌ها را از اجتماع و کار براساس مسلک‌شان دور کرده، بلکه رقم ازدواج اجباری نیز در میان دختران افزایش یافته است. این دانش‌آموخته‌گان می‌گویند که بارها به سازمان‌های مختلف درخواست کار داده‌اند، اما بنا بر جنسیت‌شان پذیرفته نشده‌اند.

سمیه یکی از زنان شاغلی است که پس از آغاز حاکمیت طالبان، از وظیفه‌اش برکنار شده است. او در یکی از سازمان‌های خارجی در بخش مطبوعات کار می‌کرد. گروه طالبان پس از حاکم شدن، این سازمان را بسته است و ده‌ها زن به شمول سمیه بیکار شده‌اند. او در حالی که در وضعیت بد اقتصادی و روانی به سر می‌برد، می‌گوید: «یک سال بعد از حاکمیت طالبان، این گروه سازمانی که در آن کار می‌کردم را بسته کرد؛ چون مختص برای خانم‌ها فعالیت می‌کرد. به شمول خودم بسیاری از زنانی که نان‌آور خانه بودند، بیکار شده‌اند. خانه‌نشینی سبب شده است که همیشه در فکر باشم و نمی‌دانم چطور با وضعیت پیش‌آمده کنار بیایم.»

او علاوه می‌کند که طالبان زنان را به بهانه شریعت به‌خصوص حجاب مجبور به خانه‌نشینی کرده‌اند و تلاش دارند همه زنان را از اجتماع دور کنند. او می‌گوید: «درست است که تعداد اندکی از زنان هنوز در بعضی از سازمان‌ها کار می‌کنند، اما خیلی معدود است. حق دسترسی به خیلی چیزها را ندارند و کارهای پیش‌پاافتاده به آن‌ها محول شده است. این کار زنان را از کار کردن دل‌سرد کرده است.»

سمیه نیز می‌افزاید که اکنون نه‌تنها از شغلش برکنار شده، بلکه حق گشت‌وگذار آزاد را نیز از

دست داده است. او به‌عنوان یک زن محروم از حق کار، از جامعه جهانی می‌خواهد که به وضعیت زنان در افغانستان توجه جدی کند تا زنان افغان نیز بتوانند از روز جهانی زنان شاغل تجلیل کنند.

رعنا (نام مستعار) یکی دیگر از زنان شاغلی است که در یکی از رسانه‌های داخلی به‌عنوان گزارشگر کار می‌کند. او پس از سلطه طالبان، از وظیفه‌اش برکنار نشده است، اما محدودیت‌ها و تهدیدهای موجود شغلی، او را مجبور به ترک وظیفه‌اش خواهد کرد. او می‌گوید: «طالبان و سازمان حق کار را از من نگرفته است، ولی با وضع محدودیت‌های شدید زنان خبرنگار مجبور می‌شوند کارشان را ترک کنند؛ چون در شرایط موجود ما مجبوریم روی خیلی از سوزها کار نکنیم و با خیلی‌ها به‌خصوص مقامات طالبان مصاحبه نکنیم چون زن استیم. آن‌ها حاضر به مصاحبه با زنان نمی‌شوند. در کنفرانس‌ها شرکت نکنیم، متوجه رفتار و لباس پوشیدن خود باشیم و بدرفتاری‌ها را به خاطر جنسیت خود تحمل کنیم. این همه توهین و تحقیر شدن، مایوس‌کننده است. بارها تصمیم گرفته‌ام که استعفا بدهم.»

او می‌گوید که طالبان چندین بار به دلیل چگونه‌گی کار و حجاب کارکنان زن، اعلامیه فرستاده‌اند و تلاش دارند به هر نحوی زنان را از کار کردن دل‌سرد کنند: «از وقتی طالبان آمده‌اند، چندین بار اعلامیه به خاطر حجاب و چگونه‌گی کار زنان به رسانه فرستاده و به همین خاطر تعدادی از همکاران ما مجبور شده‌اند استعفا بدهند و یا هم خانواده‌های‌شان آنان را مجبور کرده که در چنین شرایطی کار نکنند؛ چون در حال حاضر سانسور بی‌حد بالای رسانه‌ها اعمال شده است. یک خطا سر ما را به باد می‌دهد. از طرفی، چون اکثریت سازمان‌های رسانه‌ای بودجه کافی برای پرداخت معاش کارکنان‌شان ندارند، بدون درنگ استعفا کارکنان را می‌پذیرند.»

رعنا از جامعه جهانی می‌خواهد که علیه طالبان پالیسی سخت‌گیرانه اعمال کنند تا زنان بیش‌تر از این زجرکش نشوند. او می‌افزاید که اگر وضعیت چنین ادامه پیدا کند، زنان باقی‌مانده در فضای کاری به‌شدت مردانه، نیز مجبور خواهند شد تا عقب بکشند و مشاغل‌شان را ترک کنند. در سومین گزارش فصلی سازمان ملل و سازمان مهاجرت نیز آمده است که ۶۲ درصد فرمان‌های طالبان علیه زنان به‌شدت فزاینده بوده که سبب عقب‌نشینی بیش‌تر زنان از فعالیت‌های مختلف شده است.

با این حال، شماری از دانش‌آموخته‌گان دختر از آینده شغلی‌شان در حاکمیت طالبان نگرانند. آنان می‌گویند که بعد از فراغت از تحصیل، تا کنون بیکارند و سازمان‌ها نیز آنان را به دلیل جنسیت‌شان به‌عنوان کارمند استخدام نمی‌کنند.

ناهدید، یکی از دانش‌آموخته‌گان دختر که یک سال پیش از رشته اداره و پالیسی دانشگاه کابل فارغ تحصیل شده است، می‌گوید که

او در این مدت تلاش کرده شغلی مناسب به رشته و یا هم غیررشته‌اش بیابد، اما بنا بر جنسیتش سازمان‌ها درخواست کار او را نپذیرفته‌اند. او می‌گوید: «بیش از ده‌ها بار سی‌وی به سازمان‌های مختلف فرستاده‌ام و از خیلی‌ها حتا جواب تاییدی یا رد هم دریافت نکرده‌ام. از بعضی سازمان‌هایی که جواب دریافت می‌کردم، برایم می‌گفتند که ما به کارمند زن نیاز نداریم و یا هم سازمان در شرایط فعلی برای زنان کار نمی‌دهد.»

روزها خانه‌نشینی سبب شده است تا او افسرده‌گی حاد را تجربه کند و برای خلاصی از این وضعیت مجبور شود خلاف رشته‌اش در مکتب‌های خصوصی به‌عنوان معلم درخواست کار دهد؛ اما این مکتب‌ها نیز بنا بر اختلاف شدید رشته تحصیلی او و نبود بودجه کافی برای استخدام معلم جدید، درخواست کاری‌اش را قبول نکرده‌اند. او می‌گوید: «بارها به مکتب‌های خصوصی سر زدم تا شاید بتوانم جایی معلم شوم و از افسرده‌گی نجات یابم، اما برایم کار ندادند. می‌گفتند تو حوصله شاگردها را نداری و یا مدیریت بعضی از مکتب‌ها می‌گفتند که در شرایط خوب اقتصادی قرار ندارند و نمی‌توانند کارمند جدید استخدام کنند.»

او نیز علاوه می‌کند که اگر حاکمیت طالبان ادامه یابد و این گروه هر روز محدودیت‌های جدید شغلی و تحصیلی بالای زنان اعمال کند، زنان بیش از این به حاشیه رانده خواهند شد و این امر باعث افزایش مهاجرت و ازدواج اجباری در میان دختران خواهد گردید. او می‌گوید: «بیش‌تر دانشجویان دختر و زنان در حال فرار از افغانستان هستند و یا خانواده‌ها مجبور می‌شوند دختران‌شان را به شوهر دهند. اگر وضعیت همین‌طور ادامه پیدا کند، آینده افغانستان نابود خواهد شد.»

این در حالی است که پس از آغاز حاکمیت طالبان، زنان از عرصه‌های مختلف اجتماعی، شغلی و تحصیلی حذف شده‌اند. بسیاری از زنان شاغل که در دوره جمهوریت سمت‌های خوبی در سازمان‌های دولتی و غیردولتی داشتند، در ابتدای حاکمیت این گروه از وظیفه‌های‌شان برکنار شده و یا هم بنا بر تهدیدهای جانی مجبور به ترک کشور شده‌اند. دو سال حاکمیت طالبان، سبب شده است که زنان خانه‌نشین و دچار افسرده‌گی حاد شوند. چنان‌چه در سومین فصل گزارش سه‌ماهه دفتر هیات سازمان ملل (UNWOMEN) و سازمان بین‌المللی مهاجرت (IOM) آمده است که طالبان بیش از ۵۰ فرمان منع‌کننده علیه زنان صادر کرده‌اند که بنا بر این فرمان‌ها زنان از عرصه‌های مختلف شغلی و تحصیلی باز داشته شده‌اند.

۶۹ درصد زنان در این تحقیق گفته‌اند که در دو سال پسین حاکمیت طالبان اضطراب، انزوا، افسرده‌گی و خودکشی در بین جوانان افزایش یافته است. آنان همچنان افزوده‌اند که در پی اعمال ممنوعیت‌های طالبان و محرومیت شغلی، سطح تصمیم‌گیری زنان در خانواده‌ها نیز به‌شدت کاهش یافته است و بنا بر کاهش اشتغال زنان نگرانی سلامت روان جای‌گزین نگرانی‌های ایمنی و فزونی شده است.

### اتحادیه اروپا ۱.۵ میلیارد یورو به اوکراین کمک کرد

اورسلا وندرلاین، رییس کمیسیون اتحادیه اروپا از کمک نقدی جدید این اتحادیه به اوکراین خبر داده است. وندرلاین روز جمعه، ۲۲ سپتامبر، در پستی در شبکه اجتماعی ایکس نوشته که ۱.۵ میلیارد یورو دیگر به کی‌یف کمک کرده‌اند. وی هدف از کمک‌های اتحادیه اروپا را فعال نگهداشتن شفاخانه‌ها، مکاتب و دیگر خدمات عامه در اوکراین عنوان کرده است. او افزوده است: «این اقدام با حمایت از اصلاحات تحول‌آفرین اوکراین را در مسیر اتحادیه اروپا کمک می‌کند.» او همچنین گفته که طی سال جاری میلادی اتحادیه اروپا دست کم ۱۳.۵ میلیارد یورو به اوکراین کمک کرده است. کاخ سفید نیز روز گذشته (پنج‌شنبه، ۲۱ سپتامبر) از بسته نظامی ۳۲۵ میلیون دلاری جدید نظامی به اوکراین خبر داد.



### پیام زلنسکی به سنای آمریکا: اوکراین بدون کمک واشنگتن در جنگ شکست می‌خورد

چاک شومر، رهبر دموکرات‌ها در سنای آمریکا، می‌گوید که مهم‌ترین پیام ولادیمیر زلنسکی، رییس جمهور اوکراین، به نماینده‌گان این بود که کی‌یف بدون کمک مالی و نظامی واشنگتن در جنگ با روسیه شکست خواهد خورد. دهیل گزارش داده که زلنسکی این موضوع را روز پنج‌شنبه، ۲۱ سپتامبر، پیش از ملاقاتش با نماینده‌گان مجلس سنای آمریکا، به چاک شومر بیان کرده است. شومر به نقل از زلنسکی گفته که قطع کمک‌های آمریکا به کی‌یف سبب خواهد شد، روسیه اوکراین را تصرف کند. رهبر دموکرات‌ها در سنای آمریکا به خبرنگاران افزوده است: «آقای زلنسکی گفت، اگر کمک دریافت نکنیم، جنگ را شکست خواهیم داد.» در همین حال، رییس جمهور اوکراین پس از دیدار با اعضای مجلس سنای آمریکا گفته که با سناتورها

«گفت‌وگوی بسیار قوی» داشته و آنها را در مورد وضعیت میدان جنگ، برنامه‌های نظامی کی‌یف و اهمیت حمایت واشنگتن آگاه کرده است. وقتی از زلنسکی پرسیده شد که آیا پیامی برای ولادیمیر پوتین، رییس جمهور روسیه، دارد یا خیر، گفت: «هن با او صحبت نمی‌کنم.» واشنگتن از زمان آغاز جنگ میان روسیه و اوکراین در فبروری ۲۰۲۲، حمایت غرب از اوکراین را رهبری می‌کند و مجلس سنای آمریکا تا کنون بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار از جمله ۴۳ میلیارد دلار کمک نظامی را برای کی‌یف تصویب کرده است. هم‌زمان با این، زلنسکی با جو بایدن، رییس

جمهور آمریکا نیز ملاقات کرده و در این دیدار خواستار ادامه کمک‌های واشنگتن به کی‌یف شده است. یک مقام آمریکایی می‌گوید، انتظار می‌رود که بایدن یک بسته جدید کمک نظامی ۳۲۵ میلیون دلاری را به اوکراین اعلام کند. این درحالیست که جمهوری خواهان با ادامه کمک‌های آمریکا به اوکراین مخالف هستند. نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که حمایت جمهوری خواهان از اوکراین به دلیل اظهارات دونالد ترامپ رییس جمهور پیشین آمریکا، هم‌زمان با تلاش او برای بازگشت به کاخ سفید در سال ۲۰۲۴ کاهش یافته است.



### ۹۹ درصد از جمعیت جهان هوای آلوده تنفس می‌کنند

به ادامه هشدارها از وضعیت آبهوایی زمین، سازمان ملل متحد می‌گوید که ۹۹ درصد از کل جمعیت زمین هوای آلوده تنفس می‌کنند. این سازمان روز جمعه، ۲۲ سپتامبر، در شبکه اجتماعی ایکس گفته که تنها ۲ درصد از جمعیت جهان به هوای پاک دسترسی دارند. براساس گزارش این سازمان آلودگی هوا به گونه حیرت‌آور سالانه سبب مرگ زودرس دست کم ۶.۷ میلیون انسان می‌شود. این سازمان که هشتگی از «روز جهانی بدون [موتور] نشان می‌دهد که شهرها بدون موتور چگونه می‌توانند دیده و احساس شوند.» امروز، (جمعه، ۲۳ سپتامبر) برابر با روز جهانی بدون موتور است و از این روز همه‌ساله برای توجه به صحت زمین و اهمیت تغییرات اقلیمی گرامی داشت می‌شود. این هشدار در حالی مطرح می‌شود که براساس گزارش‌ها افغانستان نیز یکی از کشورهای با آسیب‌پذیری بالا در برابر تغییرات اقلیمی و آلودگی هوا است.

### امریکا ۱۱۶ میلیون دلار کمک بشردوستانه به میانمار و بنگله‌دیش ارایه می‌کند

رسانه‌های بین‌المللی گزارش دادند که آمریکا به هدف حمایت از پناهجویان روهینگایی، ۱۱۶ میلیون دلار کمک بشردوستانه به میانمار، بنگله‌دیش و مناطق اطراف آن ارایه می‌کند. به گزارش رویترز، آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه آمریکا، روز پنج‌شنبه، ۲۱ سپتامبر، گفته است که این کمک به پناهجویانی اختصاص داده شده که در پی خشونت‌ها از میانمار فرار و در بخش‌های از بنگله‌دیش و مناطق نزدیک به این دو کشور پناهنده شده‌اند. پس از تشدید درگیری‌ها میان نیروهای دولت نظامی میانمار و اقلیت‌های مسلمانان روهینگایی، بیش از ۷۰۰

هزار تن مناطق شان را ترک و به بنگله‌دیش فرار کرده‌اند. براساس گزارش‌ها، این پناهجویان با چالش‌های گوناگون معیشتی دست‌وپنجه نرم می‌کنند. با کمک جدید آمریکا سقف کمک‌های این کشور به میانمار و بنگله‌دیش طی شش سال گذشته به ۲.۲ میلیارد دلار رسیده است. گفتنی است که مسلمانان در روهینگیا از سال ۲۰۱۷ به این سو همواره هدف حملات مرگبار ارتش میانمار قرار گرفته‌اند. این حملات که در پی آن صدها تن کشته و زخمی شدند، واکنشی‌های جهانی را به همراه داشته است.



### سفارت روسیه در واشنگتن: امریکا خطرناک‌ترین تسلیحات را به اوکراین می‌فرستد

هم‌زمان با اعلام بسته جدید کمک آمریکا به اوکراین، سفارت روسیه در واشنگتن نسبت به آنچه سپردن خطرناک‌ترین تسلیحات به اوکراین خوانده، ابراز نگرانی کرده است. تاس به نقل از بیانیه این سفارت روز جمعه، ۲۲ سپتامبر، گزارش داده که امریکا بمب‌های خوشه‌ای و سامانه‌های دفاعی را شامل بسته کمکی نظامی به اوکراین کرده است. جیک سالیوان، مشاور امنیت ملی کاخ سفید، روز گذشته از بسته کمک نظامی جدید ۳۲۵ میلیون دلاری به اوکراین که شامل سیستم‌های ضد هوایی و دیگر تسلیحات می‌شود، خبر داد. وی اما در مورد این که چه مهمات دیگر شامل این بسته نظامی به اوکراین می‌شود و وجود بمب‌های خوشه‌ای در این بسته چیزی نگفته است. در بیانیه سفارت روسیه در واشنگتن آمده است: «پمپاژ مداوم تسلیحات و پول واشنگتن به مشتریان خود در کیف مدت زیادی است که هیچ‌کس را متعجب نکرده است... دولت ایالات متحده جنگ نیابتی به راه انداخته است.» مسکو طی این بیانیه از واشنگتن خواسته است که به بیهوده‌گی انتقال بی‌وقفه بسته‌های کمکی به کی‌یف پی ببرد. و بداند که تلاش‌های آنان نمی‌تواند وضعیت را در میدان جنگ تغییر دهد و به طولانی شدن جنگ می‌انجامد. بر بنیاد گزارش خبرگزاری تاس، امریکا از زمان آغاز جنگ میان اوکراین و روسیه بیش از ۴۳.۹ میلیارد دلار کمک نظامی به این کشور ارایه کرده است.

### هند صدور ویزا برای شهروندان کانادا را به حالت تعلیق درآورد



هم‌زمان با افزایش تنش‌ها بر سر قتل یک رهبر جدایی طلب سیک در بریتیش کلمبیای کانادا، دهلی‌نو صدور ویزا برای شهروندان کانادایی را به حالت تعلیق درآورده است. به گزارش یورونیوز، وزارت امور خارجه هند روز پنج‌شنبه، ۲۱ سپتامبر، خواستار کاهش تعداد کارکنان سفارت کانادا در هند شده است. اقدام تازه هند پس از تصمیم سفارت کانادا در دهلی‌نو مبنی بر افزایش شمار کارمندان اتخاذ شده است. پیش از این هر دو کشور یکی از دیپلمات‌های ارشد طرف مقابل را که به‌عنوان روسای سرویس‌های اطلاعاتی کشورهای‌شان کار می‌کردند، از خاک خود اخراج کرده بودند. ارندم باگچی، سخنگوی وزارت امور خارجه هند، کانادا را به دخالت دیپلماتیک در امور داخلی کشورش متهم کرده است. وی در جمع خبرنگاران افزوده است: «ما به کانادایی‌ها اطلاع داده بودیم که باید در زمینه شمار دیپلماتیک حاضر نسبت متقابل وجود داشته باشد. ما فکر می‌کنیم شمار آنها بسیار بیشتر از دیپلمات‌های هندی در کانادا است، بنابراین باید کاهش یابد.»

وزارت خارجه هند روز چهارشنبه، ۲۰ سپتامبر، نیز توصیه‌نامه مسافرتی تازه‌ای را منتشر کرده و از شهروندان این کشور خواست تا هنگام سفر به کانادا احتیاط زیادی به خرج دهند. وزارت امور خارجه هند علت این امر را «فعالیت‌های ضد هندی و نفرت‌پراکنی سیاسی» در کانادا عنوان کرده است. این در حالی است که قتل یک فعال جدایی طلب سیک به نام «هاردپ سینگ نجار» در داخل خاک کانادا و اتهامات وارده مبنی بر دست داشتن دولت هند در این قضیه، تنش‌های دیپلماتیک بین دو کشور را افزایش داده